

مبارزان کمونیست

(شماره 8)

یکشنبه هفدهم خرداد هزار و سیصد و هشتاد و هشت

www.mobarez-k.com

Tel:0046707583441

K.mobarez@yahoo.se

سردبیر: اسد نودینیان



در باره دهمین دوره "انتخابات" ریاست جمهوری، مصاحبه با نشریه مبارزان کمونیست

مبارزان کمونیست: در اطلاعیه مبارزان کمونیست به ویژگیهای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و حادث شدن اختلاف میان جناهای رژیم اشاره شده است. در صورتیکه جناحهای درون رژیم همواره با هم اختلاف داشته اند و از نظر شما ویژگی و تفاوتهای این دوره انتخابات با دفعات قبلی در چیست؟

مجید حسینی

مجید حسینی: انتخابات ایندوره با دوره های قبلی، مخصوصا با دوره نهم متفاوت است. با وجود شباهت هایش با دور اول سرکار آمدن خاتمی، دوحزادیهها، دارای ویژگیهایی است که در مناظره های تلویزیونی کاندیداتورها و نحوه استفاده مردم از این روزها ب رای مبارزه علیه کلیت رژیم خارج از دایره این دو جناح خود را نشان میدهد. این ویژگیها را مرحله کنونی اعتراض و مبارزه مردم و تداوم آن برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی بر متن مشکلات و تناقضات سیاسی و اقتصادی آن بوجود آورده است. مشکلاتی که حکومت اسلامی قادر به حل آنها نیست و بحران اقتصادی جهانی و دور گرفتن روند بین المللی منزوی کردن دولت اسلامی آن را بیشتر کرده است.

تداوم جنبشهای اعتراضی در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد و تقابل سخت و فشرده مبارزات برابری طلبانه زنان، دانشجویان، حضور محسوس تر چپ و جنبش کمونیستی در جنبش های اجتماعی، جلو آمدن بیشتر کارگران به نسبت دوره های قبلی، منزوی تر شدن رژیم در سطح بین المللی و بطورکلی ناکامی اصولگرایان بر اعاده "نظم" در ایران دو باره "اصلاح طلبان" را به جلو صحنه آورده است. دوباره دوحزادیهها جرئت و امکان پیدا کرده اند که راه حل امتحان شده خود را بعنوان تنها راه نجات رژیم اسلامی طرح بنمایند.

مصاحبه با نشریه مبارزان کمونیست

مبارزان کمونیست: در اطلاعیه مبارزان کمونیست راجع به انتخابات به ویژگی های این دوره انتخابات و تلاش جناحها اشاره شده است، در صورتیکه جناحهای درون رژیم همواره با هم اختلاف داشته اند و از نظر شما ویژه گی این دور با دفعات قبلی در چیست؟



صفحه ۴

"انتخابات" و شو اکثریتی ها! از مطالبه محوری تا رای سفید!

منصور حکمت

۱۸ خرداد روز اعتراض است
گفتگو با انترناسیونال هفتگی

صفحه ۵



صفحه ۴

لغو حکم اعدام خواست میلیونی مردم!

اسد نودینیان

صفحه ۶

برگی از تاریخ، خاطره یک اعتراض کارگری در مریوان

صفحه ۲

اطلاعیه مبارزان کمونیست در مورد دهمین دوره "انتخابات" ریاست جمهوری!

همزمان با کمپین تبلیغاتی دهمین دوره نمایش انتخاباتی ریاست جمهوری، رژیم اسلامی به تشدید فضای سرکوب و خفقان در سرتاسر جامعه ایران دست زده است. در همین روزها دل آرا دارایی را اعدام کرد، اعدام در زندانها را گسترش داد، فعالین کارگری را بخاطر شرکت در مراسم روز کارگر، فعالین جنبش زنان، دانشجویان و دیگر عرصه های اجتماعی و دفاع از حقوق مردم را دستگیر نمود و به زندان انداخت. این رژیم چندی پیش با مانور نظامی سپاه پاسداران، با مانور نیروهای انتظامی برای مقابله با شورش شهری، و اکنون با به جولان انداختن نیروهای انتظامی در قلب شهرها به بهانه دستگیری اراذل و اوباش، نیروهای سرکوبگر خود را بعنوان معادله ای برای مقابله با هر حرکت اعتراضی و شورش مردم به تنگ آمده در جریان انتخابات و همچنین برای تصفیه حساب کشمکش جناحهای درون خود به میدان آورده است. در ادامه این پروسه، مسئله شرکت دادن نیروهای بسیج در رای گیری به موضوع جدی نزاع اصولگرایان با "اصلاح طلبان" تبدیل گشته است.

از صفحه ۱

موقعیت تقریباً مشابه جناحها و توازن قوای نزدیک بهم آنها به اضافه "خطر" خیزش مردم برای بزیر کشیدن رژیم اسلامی از جمله عواملی است که جناح اصولگرا و در قدرت را به طرف استفاده از نیروهای نظامی در این کمپین انتخاباتی سوق داده است. توازن جدید میان جناحهای مختلف کشمکش آنها را بشکل بیسابقه ای شدت داده است. در شرایطیکه هر دو جناح انسجام یکپارچه خود را از دست داده اند و از درون شاخه شاخه شده اند، مهرهای جنایت کاری چون احمدی نژاد، میرحسین موسوی، مهدی کروبی و محسن رضائی را برای نجات و بقا حکومت اسلامی به جلو هل داده اند. جناح اصولگرایان در قدرت با استفاده از اهرمهایی که در دست دارند به مصاف رقیبان خود رفته و از نفوذ خود در میان سپاه پاسداران و بسیج برای کسب برتری بر دیگر رقبای حساب باز کرده است. به آزمایش موشکی دست میزنند، تبلیغات علیه اسرائیل را شدت میدهند تا ضربات ایدئولوژیکی تمایل نزدیکی به آمریکا از طرف این جناح را تخفیف دهند و از این طریق احمدی نژاد در برابر بقیه حریفان خود دست بالا پیدا کند. کار به آنجا رسیده که امام حکومت اسلامی، خامنه ای، مجبور گشته به موضع جناحی و پشتیبانی غیر مستقیم و از پهلو از احمدی نژاد روی بیاورد. در صفر به کردستان به بهانه حفاظت از این مزدور عملا در تمام شهرهای آن حکومت نظامی اعلام نشده چند هفته ای را برقرار کردند، نیروی نظامیشان را به رخ مردم کشیدند و ماهها قبل از این سفر در تمام شهرهای کردستان به دستگیریهای وسیعی دست زدند.

کارگران، زنان و مردم آزادیخواه!

شکی نیست که در این ماجرا با زور و فشار و تقلب یکی از خودبهای از صافی گذشته را رئیس جمهور خواهند کرد. با پانین ترین معیارهای انتخابی در دنیا نمی شود این بازی خانوادگی رژیم اسلامی را انتخابات نامید. ما و مردم

انتخاب خود را کرده ایم، به گور سپردن رژیم قاتل و آدمکش اسلامی انتخاب ما است. تنها در این مراسم دولتی "انتخاباتی" نباید شرکت کرد باید بهر طریق ممکن این نمایش را به حرکتی در مقابل آن تبدیل نمود. ترس از شورش توده ای، جنگ و دعوی بالائی و سردمداران اصلی و جنایتکار کاندیدا تور انتخاباتی را بمراحل حساسی رسانده است. همه مواظبتند که در جریان کمپین تبلیغتی اشان فرجه ای برای خیزش و شورش مردم باز نشود. همه موافقتند برای حفظ نظام شان یک دقیقه از اعدام و دستگیری و شکنجه و نظامی کردن فضای شهرهای ایران غافل نمانند. سرکوبگریهای گسترده، ایجاد فضای رعب و وحشت بر جامعه از جمله توافقات عمومی و مشترک کلیه کاندیدا تورها است. همه میدانند مردم این رژیم را نمی خواهد و به کمین آن نشسته اند. هم مردم و هم جمهوری اسلامی میدانند که در پروسه انتخابات و از حالا تا روز انتخابات، رژیم روزهای ضربه پذیری را جلو رو دارد. باید بگویم از این موقعیت بهر شکل ممکنی برای گسترش اعتراضات خود و دستیابی به خواست هایمان استفاده کنیم. هر حرکت توده ای و اعتراضی که در این روزها شکل بگیرد می تواند بر عوض کردن صحنه به نفع مردم تاثیر جدی بگذارد و مضحکه انتخابات را بر سرشان خراب نماید.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
22 مه 2009
مبارزان کمونیستدر باره دهمین دوره
"انتخابات" ریاست

جمهوری،

مجید حسینی

و شکست اصولگرایان را در بوق کنند و بعنوان شعار اصلی کمپین انتخاباتی خود جارش بزنند. شعار شکست برنامه های دولت احمدی نژاد از طرف "اصلاح طلبان"، به ناتوانی او در به عقب راندن اعتراضات مردم و خفه کردن هر گونه حرکت حق طلبانه ای در دوره قدرتش اشاره دارد.

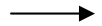
جدی تر شدن "خطر" از طرف مردم و عدم کارائی سیاستهای احمدی نژاد در سطح بین المللی و داخلی مجددا ارزش مصرف "اصلاح طلبان" را بالا برده و برای مهار اعتراضات مردم بنام اصلاحات بمیدان آمده اند تا بار دیگر برای بقاء رژیم عمر بخرند و وقت دست و پا کنند. هر دو جناح رژیم با چهار کاندیداتور اند مردم نظام اسلامی را نمی خواهند و از این مسئله هراسانند و از هول سد کردن این روند بطور بیسابقه ای به جان هم افتاده اند. هر جناح و هر فردی تقصیر را بگردن دیگری می اندازند. از ترس مردم، برای آرام کردن اوضاع سوابق و پرونده های همدیگر را رو میکنند. یکی پیمان های ننگین حکومت قبلی را رو میکند، دیگری شکست دولت فعلی را جار میزند و از دزدی ها و چپاول ثروت آن مملکت پرده بر میدارد. آنچه در این ماجرا و در جریان مناظره تلویزیونی کاندیدا تورها فاش شد بسیار کم تر از مشتکی از یک خروار است. هنوز آمار املاک و دارائیهای سران این رژیم در کشورهای اروپائی، در ایران، تعداد حسابهای بانکی و موجودی آنها در کشورهای مختلف و راز قتل عام کشتهای 60 و ترورها و قتل های زنجیره ای فاش نشده است. میلیارد میلیارد می دزدند کارگر را بخاطر درخواست حقوقش به گلوله می بندند و زندانی میکنند. با هزینه های گزافی نیروهای مزدور بسیج و سپاه و انتظامی و ارتش را پرور می کنند تا هر چند هفته یکبار آنها را به جان زنان و جوانان و دانشجویان پرستاران و معلمان و مردمی که آزادی و حق اشان را می خواهد بیندازند. حالا میخواهند با طرح نارسائیهایی جزئی و کم اهمیت و اشاره به دزدیهای فقط یک باند در نظام و با طرح بعضی از خواستهای مردم در کمپینهای انتخاباتی و مناظره های تلویزیونی زمینه مهار و به کجراه بردن نارضایتی و تفرم مردم از حکومت اسلامی را بوجود آورند و به زیر عباي خود بکشند. 30 سال است می دزدند و می کشند و جامعه 60 میلیونی را به بند کشیده اند، مگر این کلاه سر مردم میرود؟ همه اینها را باید در بند کرد و محاکمه نمود.

اما مردم هر دو جناح رژیم را خوب می شناسند، هر دو جناح آن را در هیئت دولت و "اپوزسیون" دولت تجربه کرده اند. این شناخت و این تجربه مردم جنگ خانوادگی سردمداران اسلامی را شدت داده و میدان کشمکش جناحهای آن را تنگ نموده است. این تجربه مردم راه نجاتی برای هیچکدام از این جناحها باقی نگذاشته و هر دو را درمانده کرده و با توازن قوای نزدیک و تقریباً مشابه به جان هم افتاده اند. هر دو جناح از ناتوانی همدیگر در سرکوب مردم سخن میگویند، هر دو راست میگویند، این مشکلی است که این جماعت آخوند و دزد و جنایتکار بدان گرفتارند. دعوا و مرافعه اینبار جناحها به نسبت تمام دوره های قبلی حاد تر و خصمانه تر است، این یکی از ویژگیهای ایندوره است. ویژگی دیگر تغییر چشمگیر رابطه مردم با دولت اسلامی و حضور آنها در تمام عرصه های اعتراضی اجتماعی بعنوان قطب و جبهه ای جداگانه و مستقل است، قبلا هم این بود اما ابعاد و عمق ایندوره و تاثیر گذاری آن بر فضای عمومی جامعه با گذشته متفاوت است. این تفاوت جایگاه اهمیت دخالت کمونیست ها در حرکتی اجتماعی و رویدادهای سیاسی را نشان میدهد.

جناح اصولگرایان نفوذ اجتماعی در جامعه ندارند، توان تبلیغات از این سر را ندارند، در نتیجه بطرف استفاده از نفوذ خود در ارگانهای قدرت از جمله سپاه و بسیج و زندان و دادگاه و غیره بیش از گذشته سوق پیدا کرده اند. از قدرت دولتی خود برای رو کردن سوابق دزدیهای رقیب استفاده میکند تا سوابق دیگری برای خود بتراشند، هم اصولگرایی خود را دنبال کنند و هم اینکه "اصلاح طلبی" را از چنگ رقیب در بیاورند و به عمرش پایان دهند. از هم اکنون رقیبان خود را تهدید میکنند که اگر بقدرت برسند آنها را بخاطر تبلیغات غیر قانونی و اتهاماتی که در جریان این انتخابات به اصولگرایان زده اند محاکمه خواهند کرد. تکیه آنها بر اجرای قانون و عدالت بمعنی استفاده از نیروهای سرکوبگر و قدرت دولتی در برابر جناح رقیب است. این مشخصه دور آتی جنگ و دعوی این دو جناح

است. از همین طریق مردم را تهدید میکنند، ظرفیت جنایتکاری و سرکوبگریها خود را به رخ مردم میکنند و رو به جامعه و مردم میگویند ساکت باشید و شلوغ اش نکنید. "اصلاح طلبان" با طرح بعضی از خواستها که نه میخواهند اجرایش کنند و نه توان اجرایش را دارند در فکر آرام کردن مردم و کانالیزه کردن مبارزات آند. این خاصیت ناموجود بیان عجز و ضعف این جناح در این دوره است، قبلا برگ برنده در دست این جناح بود، این برگ خیلی وقت پیش سوخت و تمام شد.

مسیر حرکت هر دو جناح و دعوی آنها در جریان "انتخابات" بر دو روند اثر جدی گذاشته است. یکی اینکه هم اکنون کشمکش جناحهای رقیب را به جاهای حاد و حساسی رسانده است. امکان اینکه هر آخوند و مرتجعی در فکر استفاده از داوردسته های مافیائی وابسته به خود برای پس زدن حریف گردد بیشتر شده است. بهم خوردن انسجام جناحها و انسجام دولت مرکزی آینده و تشتت بیشتر خواهد شد. هم اکنون نهادهای اصلی دولتی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، مجلس، نیروهای سپاه پاسداران و بسیج و غیره حول این ماجرا شاخه شاخه شده اند. خامنه ای متوجه است دفاع تقریباً آشکار او از احمدی نژاد بر خرابی اوضاع افزوده است. عقب نشینی از موضوع قبلی را با بیان اینکه من یک رای دارم و کسی نمیداند رای خودم را به کی میدهم اعلام کرد. این را اعلام کرد تا بتواند از موضع امام نظام بموقع وارد گود شود. این وضع خطرذخالت نظامی و انواع توطئه های خونین و با اقداماتی خارج از روال تا کنونی را از طرف این جناحها در فردای بعد از انتخابات افزایش داده است. مردم تنها از طریق گسترش مبارزه و اعتراضات خود می توانند هر تحولی در جامعه را بنفع دستیابی به رفاه و آسایش خود تغییر جهت دهند و جلو گردنکشی باندها و نیروهای نظامی را بگیرند. نکته دوم جلو آمدن بیشتر مردم در جریان بالا گرفتن اختلافات این دو جناح در



در این انتخابات است. مردم بدرست از این وضعیت برای باز کردن راه ساقط کردن رژیم استفاده میکنند. اگر دفعه قبلی محمل و بهانه مردم خاتمی بود، این دوره نه خاتمی است و نه میراث داران آن، مبارزات مردم بر پایه های اجتماعی خودش استوار است. بسیاری از شعارها، خواستها و حرکت هایی که در تجمعات و مجالس تبلیغاتی کاندیداتورها داده میشود، هر دو جناح و کلیت رژیم را هدف گرفته است. تقابل این دو روند، یعنی دولت اسلامی با ارگانهای سرکوبگر و دارودسته های مختلف درون آن در برابر مردم بمرحله دیگر جدی تری رسیده است. دوخردادها در صورت شکست و یا بقدرت رسیدن نمی توانند نقش قبلی را تکرار کنند، نمی توانند برای رژیم عمر بخردند و این یکی از مختصات ایندوره جامعه ایران است مردم از آنها عبور کرده اند. همین واقعیت مبرمیت دخالت فعالانه کمونیستها و رهبران و فعالان جنبشهای اجتماعی را نشان میدهد و مبارزان کمونیست بسهم خود در تقویت و گسترش این حرکت خواهد کوشید.

مبارزان کمونیست: منظور از جلو آمدن مردم و تفاوت دوره سیاسی بعد از این انتخابات با سالهای قبل چیست؟

مجیدحسینی: وضعیتی که در دهمین دوره انتخابات جریان دارد حاصل رسوایی خاتمی و دوخردادها و ناتوانی احمدی نژاد در بقب راندن مردم است. قدمی که مردم با شرکت در جریان انتخاب خاتمی به جلو بر داشتند با سرکوب و اعدام و بگیز و بندهایی وسیع دولت احمدی نژاد پس گرفته نشد. مردم با رای دادن به خاتمی شکاف درون رژیم را بیشتر کردند و بعنوان جبهه مستقلی در مقابل هر دو جناح ایستاده اند. نکته قابل توجه این است که در جریان این انتخابات شعار و خواستهای مستقل مردم خارج از محدوده مرافعه این دو جناح قابل رویت است و دیده میشود. میزان توجه به انتخابات بخاطر طرح انتقادات و نزاع بیسابقه جناحها است. دخالت قائم بذات و مستقلانه مردم اوضاع آینده ایران را منعکس میکند. مردم دارند بطور شفاف تر و روشن تری خواست آزادی و رفاه و خلاصی از دست حکومت مذهبی و قوانین آن را دنبال میکنند. جنایتکاران برای رضای کارگران پیش خانواده منصور اسائلو میروند، باید عکس او و دیگر کارگران در بند را بلند کرد. زنان باید حجاب اسلامی را پرت کنند، جدا سازی های زن و مرد را زیر پا نهند. جوانان باید برای خلاصی از فرهنگ اسلامی و شرقی بهر طریقی که امکانش هست تلاش بنمایند. مردم بدرست از

رویداد های انتخاباتی و تجمعات آن برای پژواک دادن خواستهای خود بر فراز جامعه بهره میبرند. شکی نیست در این ماجرا توقعات عمومی مردم بالا رفته و جرئت و همدلی اجتماعی مردم بالاتر رفته است. در روزهای قبل از انتخابات و در روز انتخابات بیشتر از هر دوره ای رژیم اسلامی و سردمداران اصولگرا و "اصلاح طلب" آن ضربه پذیرند. مردم باید صف خود را متحد کنند و خواستهای خود را طرح نمایند و از فرصت پیش آمده نهایت استفاده را ببرند. جنگ و جدال جناحهای آن را به خودشان بسپاریم و ما باید بطور فعالانه ای امور خود را پی بگیریم. کارگران، زنان دانشجویان و جوانان به تنگ آمده از دست فرهنگ اسلامی و قوانین مذهبی باید مطالبات خود را پرچم کنند. در تجمعات سخن رانی کنند، شعار بنویسند، متحد شوند، اعتراض کنند و افشاکری بنمایند. از این دوره موقت باید بهره برد و برای نزدیک کردن حکومت اسلامی به لب گور و برای گسترش اعتراضات متحدانه خود تلاش بنماییم و نمایش انتخاباتی را بر سرشان خراب کنیم. تاثیرات حرکتیهای ایندوره مردم بر پیشانی و عملکرد دولتی که سر کار بیاید مهر میزند.

بعد از دوخرداد دوره ای از رو در روئی مردم با دولت احمدی نژاد شروع شد و بدنبال این انتخابات بدون هیچ تردیدی دور دیگری از رو در روئی شدید تر مردم با دولت اسلامی آغاز میگردد. در نتیجه در فرادای انتخابات مسئله در هم شکستن توقعات مردم و پس زدن آنها با فشار و سرکوب در دستور اول رئیس جمهور و دولت آن قرار خواهد گرفت. اما ناکامی دولت قبلی و مرحله جدید کشمکش جناحها، محدودیت رژیم و نهادهای سرکوبگر آن را در رو در روئی با مردم بیشتر کرده و دست و بال مردم باز تر است. اقدامات و روشهای جاری سرکوبگرانه رژیم جوابگوی اوضاع نیست. مردم هم در این حد توقف نخواهند کرد و در اعتراض و مبارزات خود به ابتکارات مناسب و کار اثری دست خواهند برد. ضعف جبهه مردم بی الیترناتیونی و عدم حزبی سیاسی و کمونیستی است که مردم انتخابش کرده باشند. این ضعف از جمله مهم ترین خلاء کنونی جامعه ایران و مبارزات آزادیخواهانه در آن است.

مبارزان کمونیست: در مورد پشتیبانی تعدادی از جریانهای سیاسی و اپوزسیون ملی - مذهبی از بعضی کاندیدا تورها از جمله حزب مشروطه، جمهوریخواهان، اکثریت، حزب توده، و در کردستان حزب دمکرات، سازمان حقوق بشر کرد، جبهه متحد کرد و جمع "همگرایی در جنبش زنان" نظرت چیست؟

مجیدحسینی: اینها جریانهای راست و "اپوزسیون" ملی - مذهبی اند که کاری بجز توهم پراکنی در میان مردم و کمک به سر کار آوردن جنایت کارترین حکومت در ایران نبوده و نیست. جواب مردم به پروژه رسوای دوخرداد، جوابی به این طیف هم بود. این خانواده سیاسی قبل تراش بدور خمینی حلقه زدند و همراه با سازی که رسانهای غربی برای حلقه کردن خمینی جلا میزدند رقصیدند و از هیچ مجاهدتی کوتاهی نکردند. بعدش برای رفسنجانی هورا کشیدند. در ادامه همراه با شاخه نور رسیده "اصلاح طلب" رژیم به کمونیست ها فحش دادند و در کنفرانس برلین حزب منصور حکمت جواب در خوری به آنها داد. اکنون این جماعت در دوره نهم نمایش انتخابات ریاست جمهوری دوباره بدور شاخه های متفرقه دوخردادی جمع شده اند، تبلیغات رسانه هائی چون بی بی سی و رادیو فردا را برای جلوگیری از رشد مبارزات رادیکال و آزادیخواهانه مردم پشت سر دارند. امثال خاتمی و مهدی کروبی می توانند به کالبد این احزاب و سازمانهای ملی - مذهبی و ناسیونالیست و روشنفکران کودن، امید فوت کنند و به شوقشان بیاورند. اگر رژیم قبولشان میکرد و به حسابشان می آورد اینکار را هم نمی کردند و مدافع نظام بودند ولی حالا مدافع بخشی از آنند. اعلام پشتیبانی آنها از کاندیداتورها انتخابی نظام و شرکت در این مضحکه میزان حقی است که برای مردم قائلند، این سنت سیاسی هیچگاه فرا تر از خمینی و رفسنجانی و کروبی و موسوی و بنی صدر و غیره نرفته و از قدرت مردم بیشتر از نظام می ترسند. اینها شاخک های رساندن اعلام "خطر" رشد کمونیسم و چپ به دشمنان مردمند. مبارزه مردم با جمهوری اسلامی جدا از مبارزه با این طیف نیست.

مجیدحسینی
6 ژوئن 2009

مبارزان کمونیست می پرسد. ادامه از صفحه 1

نسان نودینیان: تعبیر و تفاسیر مختلف و ناهمگونی در مورد به اصطلاح ویژگیهای ایندوره انتخابات ریاست جمهوری در میان اپوزسیون وجود دارد. در طیف نسبتا وسیع اپوزسیون طرفدار جمهوری اسلامی به عبارت صحیح تر، طیف سازمان و احزابی که کلیت حاکمیت و انتخابات را بعنوان روند عادی یک دولت متعارف در نظام جمهوری اسلامی را پذیرفته و قبول دارند از تفاوتها ویژه گی هایی نسبت به دوره های قبل صحبت میشود و بر مبنای این





صندوقهای رای با این نوع تز و دکترینها بسر رسیده است. مردم انتخاب خود را کرده اند، اگر "حس شنوایی" سران و کاندیداهای رئیس جمهوری در ترک برداشتن اوضاع سیاسی ایران "حساس" است. دیگر جایی برای مطالبه محوری نیست. مردم در ایران دیگر فریب این نوع تز و مشارکتها را به نفع نظام جمهوری اسلامی نمی خورند، اوضاع منطقه به هر درجه خطیر و بیش از این هم خطیرتر شود. اقبال و سعادت مردم، و دنیای بهتر برای تامین يك زندگی انسانی با رفاه و آسایش و امنیت، با عدالت اجتماعی و لغو کار مزدی در گرو سرنگونی و رفتن جمهوری اسلامی است، مردم این یکی را انتخاب میکنند.

نسان نودینیان

ادامه از صفحه 1

لغو حکم اعدام خواست میلیون مردم!

اعدام دلارا بار دیگر مسله اعدام کودکان و لغو حکم اعدام در ایران را به مسله اجتماعی تر تبدیل نمود. ابراز تنفر از اعدام همدردی با خانواده دلار ا و تلاشهای وسیع برای نجات جان کودکان دیگری که در انتظار چنین احکامی هستند نشان می دهد که این جنبش در جامعه تا چه اندازه) به همت مبارزه و تلاشهای نهادهای مدافع حقوق انسانی و علیه اعدام توانسته است توجه جامعه را به این مسله جلب کند. اکنون به محض اطلاع از هر موردی که در خطر اعدام باشد، تلاشهای اجتماعی برای جلب حمایت اولیای دم برای جلوگیری از هر مورد اعدام در جامعه مشاهده می شود. از بعد از اعدام دلارا بیش از چهار مورد از کودکانی که در معرض اعدام بودند در نتیجه این تلاشها و حمایتی بین المللی از جنبش علیه اعدام توانسته اند از این حکم خلاصی یابند. اینها بخشهای از تلاشهای وسیعی است که در این زمینه صورت میگیرد.

این تلاشها نشان می دهد که جنبش علیه اعدام و علیه اعدام کودکان امروز به یکی از جنبشهای وسیع در ایران تبدیل شده است. رژیم اسلامی از تصویر عمومی مردم ایران با جلادانی چون خلخالی و زندان و اعدامهای صدهزار نفری شناخته شده و می شود تنفر از اعدام و رژیم حامی اعدام به طول عمر رژیم اسلامیست. اما امروز این تنفر و انزجار به جنبشی اعتراضی در سطح جامعه تبدیل شده .

. از تلاش خانوادههای زندانیان سیاسی اعدام شده تا تلاش گسترده در سطح جامعه علیه اعدام جنبش عظیمی است که حامیان و فرماندهندگان آنها اکنون و در گرما گرم مضحکه انتخاباتیشان دارند از تبلیغات انتخاباتی خود تبدیل می کنند. موسوی و کروبی خود از سران و فرماندهندگان چنین جنایاتی هستند. کشتار و اعدام زندانیان در دوران نخست وزیری موسوی را مردم هرگز از یاد نبرده اند. اینکه امروز چرا این مسله به بخشی از تبلیغات انتخاباتی آنها تبدیل شده، زره ای نشانه انسان دوستی اینها نیست. این خود بخشی از تصویری است که تنفر و انزجار وسیع مردم از اعدام و از رژیم اسلامی را نشان می دهد و همچون مسله فقر و فلاکت که بر جامعه حاکم کرده اند همگی دارند از ترس این انزجار حساب خود را به نوعی با آن جدا می کنند. این فریبکاری در میان مردم جای ندارد مردم رژیم جانینان اسلامی را با صدها هزار اعدام و خصوصا اعدام کودکان می شناسند. همگی این جانینان می دانند که بر باروت

تنفر و انزجار مردم نشستند و امروز در گرما گرم تبلیغات انتخاباتیشان استقبال مردم با شعار هایشان به اینها نشان داده است که خواست قلبی مردم سرنگونی این جانینان است.

رژیم اسلامی با قانون اسلامی قصاص مسله اعدام را هر روز بر سر جامعه نگاه خواهد داشت. اینها نه تنها با چنین جنایاتی قتل و کشتار را در جامعه گسترش می دهند، بلکه عملا مردم را با به اجرا گذاشتن چنین احکامی در مقابل هم قرار می دهند. برای لحظه ای به احساس بعد از اجرای اعدام دلارا فکر کنید که به ظاهر رای دهندگان این جنایت نزدیکترین اعضا فامیلیهای دلار هستند. امروز و بعد از اجرای این جنایت نه تنها هر دو این خانواده ها داغیده هستند بلکه رژیم اسلامی با چنین قوانین ارتجاعی آنها را در مقابل هم قرار داده است. این تخریب بزرگ با خود فاصله را در میان مردم و تنفر از همدیگر را بیشتر خواهد نمود. باید چلوی این تخریب را گرفت باید در سطحی عمومی ابعاد اجرای چنین احکامی را قبیح نمود.

قطعا احساس از دست دادن هر عضو خانواده ای در فاجعه های این چنین سخت و ناگوار است. همدردی با بستگان این عزیزان امری مسلم است اما باید به این داغدیدگان نشان داد و آنها را قانع نمود جواب جنایت را با قتل نمی شود داد. باید نشان داد رژیم اسلامی حامی مردم نیست چرا که او خود بانی اعدام دهها هزار زندانیان سیاسی و در میان آنها کودکان زندانی است که بجرم عدم اعتقاد به دین و خدایشان و با مبارزه برای جامعه ای انسانی در زندانها بدار آویخته شدند.

جنبش علیه اعدام می تواند از تجارب جنبشهای دیگر در جامعه برای گسترش و توده ای کردن خود استفاده نماید. باید تلاش نمود با فستیوالها و اقدامات دیگر توجه هر چه بیشتر جامعه را به این امر جلب نمود. اینکه جانینان اسلامی اکنون جرت اجرای چنین احکامی را در ملامع ندارند خود نشانه ترس آنها از انفجار و اعتراض مردم به هنگام اجرای چنین جنایتهای است اما این جنبش و فعالین آن می توانند تلاشی را در جامعه سازمان دهند که تن دادن. پناه بردن به قانون جنایت قصاص تقیح گردد.

از تلاش برای لغو حکم اعدام تا تلاش برای نجات جان هر تک قربانی تلاشی بزرگ و انسانی است. باید آنرا ارج نهاد. دست فعالین آنرا فشرود. به این جنبش پیوست و با تلاش گسترده در این زمینه خادمان دین و خدا و جانینان اسلامی را بگور سپرد.

اسد نودینیان خرداد 1388

ادامه از صفحه 1

"انتخابات" و شو اکثریتی ها!؛ مطالبه محوری تا رای سفید!

در حالیکه با شروع فضای انتخاباتی اعتراضات توده ای مردم در تهران و تعداد زیادی از شهرها و دانشگاه ها بالا گرفته، و در این اعتراضات کل حاکمیت و نظام جمهوری اسلامی مورد هدف مردم و جوانان هستند. و در حالیکه دیروز در خیابان ولیعصر تظاهرات حامیان کروی، تظاهرات با شعار «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر استبداد»، «توب، تانک، بسجی، دیگر اثر ندارد»، با استفاده از فضای انتخابات حرکتی کم سابقه در سال های اخیر را در شهر تهران سازمان داده اند، آقای بهزاد کریمی دست به اقدام بی سابقه ای زده و برای مردمی که اینروزها از هر فرصتی برای ابراز تنفر از جمهوری اسلامی شعار «مرگ بر دیکتاتور» سر میدهند، نسخه "رای سفید از موضع امتناع فعال!" را پیش کشیده است. بهزاد کریمی "به آنهایی که انتخاباتشان دموکراسی است و ایران را در قالب جمهوری واقعی برای همه ایرانیان می خواهند و در راه برچیدن بساط جابرانه حکومت اسلامی و تحقق حق حاکمیت مردم تلاش می ورزند، امکان می دهد تا در عین حفظ سیمای مستقل خود، به گونه سیاست ورزانه و هدفمند در "نه!" به احمدی نژاد سهم بگیرند و همچنان در موضع منع از دنباله روی ها استوار بمانند..." سیاست منع دنباله روی را تبلیغ میکند! در شو انتخاباتی اپوزیسیون مطالبه محور رای

سفید و کشاندن مردم به پای صندوقهای رای شیوه دیگری از کارناوال ملی مذهبی ها و در شکل ابرکتیو خامنه ای و سران جنایتکار جمهوری اسلامی است. در چند ماه گذشته تمام تلاش و قدرت سیاسی و لجستیکی _ نظامی جمهوری اسلامی از خامنه ای تا رفسنجانی و خامنه ای و احمدی نژاد، موسوی و کروبی و رضایی، بر محور کشاندن مردم بپای صندوقهای رای دور زده است. اینبار اکثریتی ها با روش همیشگی خود در تلاشند تا خزیده با شعار "نه" به احمدی نژاد و با رای سفید، مضحکه انتخابات را گرم نگه دارند. موج تبلیغات جریان ملی اسلامی، به بخشی از فضای سیاسی جامعه سایه افکنده، این جریان را در تلاشند تا نوع دیگری از جبهه اصلاح طلبی اما در قالب های جدید از نوع مطالبه محور را به فضای سیاسی جامعه و روحیه اعتراضات توده ای پمپاژ کنند. در تلاشند با این تلاشهای شمنز کننده بهر قیمتی شده سدهای دفاعی در مقابل مردم و روحیه اعتراضی مردم ببندند. تلاش اکثریت و جریان ملی اسلامی بیهوده است.

مردم در موقعیت سلبی در مقابل جمهوری اسلامی و حامیان اصلاح طلب و مطالبه محور قرار گرفته اند. مردم میدانند که این جمهوری اسلامی بود که جریان توده ای و فدائیان اکثریت و محافل مختلف ملی گرا را یک به یک طرد کرد و به اپوزیسیون راند. هیچیک از این جریانها راسا و بنا بر اصول سیاسی و اعتقادی خود به صف مبارزه با رژیم نیبوستند. رابطه متقابل این جریانها و رژیم اسلامی انعکاسی از موازنه جناحهای درونی رژیم اسلامی است. نزدیکی احزاب اپوزیسیون طرفدار رژیم به حکومت اسلامی از سر توهم، کج فهمی سیاسی، اشتباهات تاکتیکی و غیره نبود و نیست. این احزاب نزدیکی سیاسی و فصل مشترک اجتماعی عمیقی با جناحهای مورد حمایت خویش در حکومت دارند. اینها ادامه همان جنبش ها در خارج حکومت اند. حزب توده و اکثریت از نظر برنامه و سیاست و اهداف اجتماعی خود خویشتوانند نزدیکی با جناح دولتگرا و ضد آمریکایی و پان اسلامیت رژیم دارند که دولت موسوی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی مهره های اصلی آن بوده اند. طرد نهایی حزب توده و اکثریت با تضعیف و خلع ید از این جناح در رژیم اسلامی رابطه نزدیک داشت. سابقه این جریانها از نظر مردم و افکار عمومی پدیده گذرایی نیست. داده سیاسی است که بر متن و مضمون این صف بندیها، جنبش خلاصی فرهنگی و جنبش برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی شکل گرفته است. مردم با علم به این داده های سیاسی، با رادیکالیسم سیاسی خود شوهایی جریان مطالبه محور که تحت نام گریز از انزوا طلبی و شرکت فعال تنوریزه و به میدان سیاست در ایران وارد کرده اند، می ایستند. دوره توهم به شوهایی نظیر سازمان اکثریت و بهزاد کریمی تمام شده، مردم انتخاب خود را کرده اند، جمهوری اسلامی را نمیخواهند. انتخاب مردم شرکت نکردن در انتخابات است. انتخاب مردم در میدان ولی عصر اعلام شده، «مرگ بر دیکتاتور» آن انتخابی است که مردم کرده اند.

نسان نودینیان خرداد 1388



هفتگی: به انتخابات رئیس جمهوری اسلامی ایران چند روزی بیشتر نمانده است. سیاست حزب کمونیست کارگری ایران راه انداختن جنبش عدم شرکت در این مراسم، جنبش نه گفتن به جمهوری اسلامی بوده است. امروز این جنبش در ایران ابعاد وسیعی پیدا کرده حتی گفته میشود ۷۰ تا ۸۰ درصد در این مراسم شرکت نخواهند کرد. بعلاوه تقریباً همه تشکل های سیاسی بندریچ به موضع "تحریم" این انتخابات رسیده اند. آیا این موقعیتی است که حزب برای شکل دادن به آن تلاش کرده است؟

منصور حکمت: بنظر من این قبل از هر چیز واقعی است که حزب ما سعی کرده است به گروههای مختلف موسوم به اپوزیسیون تفهیم کند. این واقعیت که مردم ایران خواهان رفتن رژیم اسلامی اند، که رای دادن به خاتمی در چهار سال پیش نه نشان سازش مردم با حکومت و توهم به پدیده اصلاح طلبی اسلامی و دستگاهی، بلکه یک دخالتگری سیاسی برای بهم ریختن قدر قدرتی حکومت و یک اعلام انزجار توده ای از نظام بوده است. حزب کمونیست کارگری در این چهار سال به سخنگوی اصلی، و به یک معنی در یک مقیاس اجتماعی به تنها سخنگوی این رادیکالیسم و سرنگونی طلبی پیشرو در میان مردم تبدیل شد. بویژه در این دو سال آخر که حزب در یک مقیاس وسیع توده ای به مردم ایران دسترسی پیدا کرد و تبلیغات و افشاگری های آن هر روز بگوش میلیونها نفر در ایران رسید، خود حزب به یک عامل موثر در سمت و سو دادن و گسترش این رادیکالیسم در داخل ایران و پس راندن گروههای "اپوزیسیون" مدافع حکومت اسلامی و کمپ موسوم به دوم خرداد در خارج کشور بوده است. امروز کمونیسم کارگری و حزب به معنی اخص کلمه جای خود را در تبیین بخشهای مختلف مردم، چه چپ و چه راست، از اوضاع سیاسی و روندهای محتمل آتی، الטרناٹیوهای موجود و غیره باز کرده است. حزب اکنون در مرکز معادلات سیاسی ایران است و پرچمدار مقابله با حکومت و طرفداران ریاکارش در اپوزیسیون است. حزب قطعاً در ایجاد و حفظ این فضای رادیکال در ایران سهم داشته است. اما ابداً این وضعیت محصول کار حزب نیست. برعکس، موفقیت حزب در این سالها محصول این واقعیات سیاسی در ایران است که خود ریشه در بحران اقتصادی و سیاسی و فرهنگی موجود در جامعه ایران دارند. فضای امروز دارد این واقعیت را به هر ناظری اثبات میکند که حزب کمونیست کارگری آن جریانی بوده است که در تمام این مدت نبض جامعه را در دست داشته و خواستها و روحیات

مردم و دینامیسم اوضاع سیاسی را میشناخته است.

ما رادیکالیسم مردم، علاج ناپذیری اوضاع حکومت و ماهیت جدال جناحها را میشناختیم و مدام تاکید میکردیم. این ما بودیم که در مقابل همه "دگراندیشان" سفارتی و دکتور دوم خردادی های متفرقه، از ناسازگاری مردم و حکومت و ناتوانی دوم خرداد از مهار سرنگونی طلبی و مردم و ناممکنی یک جمهوری اسلامی دوم سخن میگفتیم. الان این نکات حتی احتیاج به استدلال هم ندارند. همه شان دارند میگویند. خودشان دارند میگویند. میزگردهای خارج کشور با کمبود شدید سخنرانان دوم خردادی و "اصلاح طلب" مواجه شده اند! کسانی که چهار سال پیش بخودشان انتقاد میکردند که چرا انتخابات قبلی را تحریم کردند و بقول خودشان "از مردم عقب ماندند" الان با رشادت تمام جلوی صف تحریمند! حتی اکثریتی ها و جمهوری خواهان متفرقه، که انجمنهای مدافعان حجابیان و وزارت اطلاعات فخیمه رژیم در خارج کشور هستند، صریحاً اعلامیه میدهند که "مردم، با علم به تقلبی بودن انتخابات و غیر دموکراتیک بودن آن لطفاً وسیعاً در انتخابات شرکت کنید و دوباره به خاتمی رای بدهید!" دبیرکل حزب دمکرات کردستان به رادیو فرانسه اعلام میکند که خاتمی کاندید کل نظام است و هدفش حفظ حاکمیت است و نه اصلاحات! خیمه شب بازی دوم خرداد تمام شده. حزب کمونیست کارگری و مردم ناراضی و رادیکال فضای امروز ایران را میسازند. اما تحریم انتخابات موضع ما را بیان نمیکند. تحریمیمون امروز هنوز از مردم عقب اند. صحبت بر سر رای ندادن نیست. این فرض ماست. صحبت بر سر تبدیل روز انتخابات به یک آکسیون وسیع اعتراضی تمام کشوری علیه حکومت است.

هفتگی: چه تفاوتی بین موضع حزب و صرفاً عدم شرکت در این مراسم که سیاست تقریباً همگانی جریانات سیاسی است، وجود دارد؟

منصور حکمت: موضع ما تجمع، پیکت و تظاهرات در محل حوزه های اصلی انتخاباتی است. در خانه ماندن و رای ندادن از اوضاع عقب است. کافی نیست. ما میخواهیم مردم در محل حوزه های انتخاباتی، تجمع کنند، نه فقط رای ندهند، بلکه درست مانند پیکت های کارگری صف ببندند و با کسانی که میخواهند رای بدهند بحث کنند و منصرفشان کنند. به آنها بگویند رای دادن در این انتخابات مهر مشروعیت زدن پای نفس وجود این حکومت است. ماهیت جناحها را افشا کنند. روز انتخابات باید به وسیع ترین

مجمع عمومی های مردمی در محل حوزه ها تبدیل بشود. بحث و جدل باید داغ بشود. باید شعار داد، نه گفت، محکوم کرد و اراده واقعی مردم ایران را به نمایش گذاشت. حکومت خودش روز و ساعت و محل تجمع ما را اعلام کرده است. خودش ما را به حضور در آن محل دعوت میکند. این بهترین فرصت برای اولین تظاهرات همزمان میلیونی در سراسر کشور علیه حکومت است. برخی بطور کلی از نه گفتن به انتخابات و تظاهرات در آن روز سخن میگویند. این بنظر ما مبهم و ناکارساز است. این تجمع و تظاهرات باید در محل حوزه های رای گیری شکل بگیرد. در ادامه خود میتواند این تجمعات به راهپیمایی های بزرگ منجر بشود. اما این تجمع و پیکت اولیه حیاتی است. تمام توجه ها معطوف به این حوزه هاست. هر اتفاقی در آن محل بیافتد توسط خود ماشین خبری و تبلیغاتی بورژوازی وسیعاً منعکس و ثبت میشود. پاسخ ما به نمایش انتخاباتی باید در همان محل داده بشود. این آسان تر است، توده گیر تر است، چشمگیر تر است.

هفتگی: میگویند رفتن و جمع شدن در مقابل محل های رای گیری خطرناک است. رفتن به مقابل لانه زنبور است بنابراین نباید این کار را کرد. در این مورد نظر شما چیست؟

منصور حکمت: رفتنش که خطرناک نیست، چون خودشان میگویند باینند رای بدهید. صحبت بر سر نوع عملی است که ما در محل میتوانیم انجام بدهیم. رای بدهیم یا معطل کنیم و بحث کنیم تا جمعیت انبوه تر بشود و بعد کار را به پیکت و تظاهرات بکشیم. از پیش میشود قرار گذاشت و با تعداد قابل ملاحظه ای به محل رسید تا کسی انگشت نما نشود. فراموش نکنید نیروهای انتظامی و اوباش رژیم در این روز باید خودشان را در کل کشور پخش کنند. در سر هر تک حوزه تعداد مردم به مراتب از اینها بیشتر است. در واقع آنها هستند که دارند به لانه زنبور میانند. و اگر خواهند دخالت کنند خود بر تشنج در محل حوزه انتخاباتی می افزایند. بعلاوه دستشان در ممانعت از حضور مردم در محل، گفتگو، بحث درباره انتخابات و نماینده ها بسته است. پیکت و تظاهرات باید در یک سیر طبیعی در متن انبوه شده جمعیت و داغ شدن بحث ها و در یک فرم بظاهر خودبخودی شکل بگیرد. آژیتاتور ها و فعالین سیاسی نباید تا وقتی از قدرت انبوه جمعیت مطمئن نشده اند خودشان را انگشت نما نکنند. اینها را خود مردم و بویژه فعالین سیاسی و جوانها میدانند. یک نکته دیگر اینست که

خود رژیمی ها از موضع واحدی به این پدیده نگاه نمیکند. در قبال انتخابات و کاندیدها اختلاف دارند. همه این فاکتورها به نفع ما کار میکنند. این یک فرصت بسیار مناسب برای ابراز وجود مستقل و میلیتانت مردم است و نباید از دست برود. مطمئن باشید هرچا این آکسیون سر بگیرد، فردا تصاویرش را رسانه های جهان بعنوان جلوه تحرک مستقل مردم علیه کل حاکمیت اسلامی و جناح هایش در صدر اخبار خود خواهند گذاشت.

انترناسیونال هفتگی، شماره ۵۶ - ۱۰ خرداد ۱۳۸۰ - ۱ ژوئن ۲۰۰۱

ادامه از صفحه 6

دهند من نیز در جواب گفتم ما بارها در رابطه با محل استراحت و نبود آب آشامیدنی و.... با شما حرف زده ایم. گفتیم شما تصمیم خود را بدون اطلاع ما در مورد تغیر ساعات کار گرفته اید. گفتیم ما با یک ساعت و نیم استراحت موافقم بشرطی که بعد از ظهر ها هم ساعت 6 همچون معمول دست از کار بکشیم. اما اگر چنین نیست چرا باید ما نیم ساعت بیشتر در این هوای گرم بمانیم و این برای ما به معنای اضافه کردن نیم ساعت کار است. کارگران روستای خیلی با این خواست توافق داشتند. لذا با توجه به اینکه اکثریت کارگران را تشکیل می دادند عملاً کارفرما با اعتراضی بزرگ روبرو بود و مجبور به تن دادن به آن شد. کارتهای ما را امضا و ساعت کار را همچون گذشته تعیین گردید.

این اعتراض در دل پانداگان نظامی شهر مریوان و در سالهای دهه 50 که نسل کارگری در مریوان نسلی جوان بود، صورت گرفت. صف متحد و اتحاد ما توانست خواست ما را متحقق کند. سازمان این اعتراضات را ما هر روزه در جمع خود(که در آن شرایط جمعی 9 نفر از فعالین کمونیستی بودیم که فعالیتهای خود را چه در محلهای کارگری و چه در روستاها با شکلی سازمانیافته و بحث حول هر حرکت و اقدامی پیش می بردیم سازمان داده شد بود. عصر هر روز بعد از اتمام کار من به چهارراه بابوه محل تجمع این جمع می رفتم و با بحث حول مسایل مطرح در محل کار تصمیم به سازمان دادن و کار آگاهانه در میان کارگران می گرفتیم. در همین سالها بود که تعدا دیگری از رفقا برای کار راهی تهران شدند از میان جمع ما اکنون رفقای جان باخته عطا رستمی، عبدالله نودینیان، موسی شیخ اسلامی، ریوف کمهنه پوشی جان باخته اندیاد این عزیزان گرمای باد.

اسد نودینیان



برگی از تاریخ

خاطره یک اعتراض کارگری در میوان

مطلب زیر را چند سال قبل بعنوان برگه از تاریخ اعتراضات کارگری در سال های رونق سرمایه داری در فاصله سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ نوشتم. اکنون سال ۱۳۸۸ سیما شهر میوان که در آن سالها این اعتراضات کارگری در آن شکل گرفت، عوض شده. شهر میوان بزرگ شده و تعداد کارگران مزدی بیشتر شده، در چند سال گذشته در این شهر اعتراضات کارگری در شکل اعتصاب و تظاهرات و تحصن انجام شده. طیف وسیعی از رهبران و سازماندهندگان از نسل جوان طبقه کارگر در صحنه سیاسی و جنبش کارگری نیز ابراز وجود کرده اند. فعالین جنبش کارگری در چند سال گذشته همواره به تجارب اعتراضات کارگری تکیه کرده اند، با علم به این که انتقال تجارب کارگری در این شرایط میتواند برای نسل جوان از جنبش کارگری مفید واقع گردد، و با توجه به اینکه تاریخ اعتراضات کارگری باید در زمان و شرایط مختلف بعنوان سند یک پیشرفت طبقاتی مورد مرور و بازخوانی قرار گیرد، و اینکه بر خلاف فکر و روش سیاسی احزاب ناسیونالیستی که جامعه کردستان را خالی از هر نوع جنبش اعتراضی کارگری در گذشته به تصویر کشیده اند، در این شماره نشریه مبارزان کمونیست، برگه از تاریخ، خاطرات اعتراض کارگری در شرکت "مام سنگر" را منتشر میکنم.

اسد نودینیان خرداد ۱۳۸۸

دهه 50 در میوان دوران رونق شهر سازی و گسترش شهر میوان بود. در این سالها شرکت های ساختمانی زیادی به منظور ساختن دوایر دولتی و ساختمان سازی برای ماموران دولتی و تاسیس بلوارها و مناطق تفریحی در میوان فعالیت داشتند. یکی از تاسیسات بزرگ، احداث صدها خانه سازمانی در پادگان شهر میوان بود. شرکت مام سنگر کنترکت این ساختمان سازی را بعهده داشت. این شرکت که بیش از 500 کارگر و بنا و کارگران فنی را در بر می گرفت خود احداث بخشهای مختلف را به شرکت های کوچکتری تحت نظارت و کنترل خود واگذار نموده بود. حمل و نقل و برخی قوانین کار در تمامی این شرکتها عمومی بود. خارج از کارگران ماهر که عمدتاً از شهرهای دیگر به اینجا آورده شده بودند بقیه کارگران، کارگران روستایی و بخشی کارگران فصلی بود که از شهر به این محل برای کار می آمدند. هیچ قوانین کاری در این شرکتها وجود نداشت. سرویس ایاب و ذهاب این کارگران تراکتورها یا ماشینها بار بری بودند. که غروبها بعد از اتمام کار کارگران را به شهر و روستاها بر میگردداند. به هنگام اتمام کار اینها دهها کارگر را بدون هیچ حفاظت امنیتی سوار می کردند.

به هنگام استراحت نهار شرکت هیچ جایی را برای کارگران نداشت اکثریت کارگران مجبور بودند در هوای گرم تابستان استراحت خود را زیر تنها درختی که در محوطه کار بود جمع شده و استراحت نمایند. برای پیدا کردن آب آشامیدنی نیز باید به روستای نزدیک می رفتیم. اما شرکت برای کارگران ماهر و متخصصین سیروسهای ایاب و ذهاب را حتی برای استراحت نهار آنها تامین نموده بود.

این درخت محل تجمع کارگران شده بود در این محل صدها کارگر در گروه های مختلف چای پخته و نهارشان را با هم صرف می نمودند. ساعات استراحت نهار یک ساعت بود و این برای آنهایی که به شهر برمی گشتند کافی نبود. آنهایی که به شهر برمی گشتند خواستار افزایش ساعت استراحت نهار شده بودند که با کارفرما به توافق رسیده بودند که کارفرما ساعت استراحت نهار را به یک ساعت و نیم افزایش دهد و در عوض غروبها نیم ساعت دیرتر دست از کار بکشیم. این تصمیم کارفرما بدون توجه به شرایط بیش از 400 کارگری بود که مجبور بودند استراحت نهار خود را در آن شرایط سخت بسر ببرند. با اطلاع از این تصمیم کارفرما ما هم به تلاش برای سازمان دادن اعتراضی علیه این تصمیم بر آمدیم. در محلی که ظهرها برای استراحت جمع می شدیم معمولاً ما با جمع زیادی که از روستاهای اطراف شهر آمده بودند دور هم جمع می شدیم. جمع بزرگی بودیم که نشستن در این محل ما را به هم نزدیک کرده بود از همان روزهای اول تلاش کردیم که هرآنچه را برای نهار با خود آورده ایم رو هم بریزیم و با هم نهار را صرف کنیم این خود نزدیکی و رابطه ویژه ای را میان ما ایجاد کرده بود. با اطلاع از تصمیم کارفرما شروع به بحث حول این تصمیم نمودیم. تقریباً اکثریت آنها که در این محل بودند از آنجا که از روستاهای اطراف می آمدند با خواستی که من طرح کردم توافق داشتن ما گفتیم اگر قرار است این نیم ساعت را بخاطر استراحت اضافه کنند باید سرویس ایاب و ذهاب برای ما هم تامین کنند که به خانه های خود برگشته و یا اینکه محل مناسبی را برای اینکه ما هم بتوانیم استراحت کنیم را برای ما در اینجا تامین و گر نه ما با این مخالفتیم. برای ابراز مخالفت خود تصمیم گرفتیم بعد از یک ساعت استراحت نهار به سر کارها خود برگردیم و عصر نیز در همان ساعت قبلی 6 بعداز ظهر دست از کار بکشیم. ما می دانستیم که آن روز بدلیل عدم حضور متخصصین و فنی کارها و بناها با بازگشتمان در بعد از یک ساعت استراحت ظهر کار انجام نخواهد شد و این اقدام ما با اعتراض کارفرما و متخصصین و بناها روبرو خواهد شد اما مصمم بودیم که این چنین عمل کرده و ساعت 6 بعد از ظهر علاوه مخالفت آنها دست از کار بکشیم. این خواست با استقبال وسیع روبرو شد و اکثریت کارگران با این خواست موافقت نموده و همان روز عملاً ساعت یک بعداز ظهر سر کار رفتیم عملاً کار انجام نگرفت اما ما با حضور خود تصمیم خود به مخالفت با تصمیم کارفرما را اعلام نمودیم. ساعت 6 در حالیکه هنوز بناها و کارفرما از ما می خواستند کار را ادامه دهیم و تهدید می کردند که اخراجمان خواهند کرد همگی دست از کار کشیده. و به محل تجمع که هر روز برای امضا کارتهای ریمان می رفتیم، رفتیم. در اینجا یکی از معماران (معمار ستار) در حالیکه خیلی عصبی بود و کف می چراند با تهدید کردن ما جلو آمد و گفت اعتراضمان غیر قانونی است و گفت که اخراجمان خواهد کرد و حاضر نخواهد شد کارتهایمان را امضا کند در میان تجمع بزرگ کارگران بعد از این تهدیدات معمار ستار سکوتی حکم فرما شد. جلو رفتیم و خطاب به معمار ستار گفتیم که "ما حق داریم که چنین خواستی را داشته باشیم به شرایط استراحت خودمان و نبود آب آشامیدنی و محل استراحت اشاره کردم هنوز حرقم تمام نشده بود با تهدید جلو آمد و گفت می دانم که این شما ها هستنید منظورش چند نفری که داشتن حرفهای مرا تایید می کردند بقیه را با زور به اینجا آورده اید تهدید به اخراج نمود و دستش را بر روی من بلند کرد که گویا قصد زدن سیلی به من را دارد در این هنگام یکی از کارگران که علی نام داشت کارگری محبوب بود قد بلندی داشت جلو آمد و دست معمار ستار را گرفت و با عصبانیت و به زبان کردی گفت پدر سوخت دارید می کنید ما همگی این خواست را داریم و رو به کارگران کرد و گفت مگر نه! همگی کارگران حرفش را تایید کردن سکوت شکست و هم همه بالا گرفت و تهدیدش کرد که اگر دست بروی هر کدام از ما بلند کند با مقاومت و مقابله همگی ما روبرو خواهد شد. بعد از تهدیدهای علی معمار ستار از ترس رنگش پرید و با التماس گفت که منظوری نداشته و خواسته بگوید که ما می توانستیم قبل از اقدام به چنین عملی خواست خود را طرح کنیم و گفت که عملاً آنها با توجه به خواست بناها و مفنی کارها و... مجبورند ساعات کار را چنین تغییر

روز شماره ویژه اعتراضات و مبارزات کارگری به سردبیری نسان نودینیان منتشر می شود

تا کنون 57 شماره این نشریه در دور اول و 7 شماره آن در دور دوم در دسترس خوانندگان قرار گرفته است. از طریق صفحه اینترنتی

<http://www.mobarez-k.com> می توانید به آنها دسترسی پیدا کنید.

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

مرگ بر جمهوری اسلامی